

نگار احمدی
گروه نسل فردا

سرعت افزایش آمار طلاق در ایران بالاست

اسحاقی: نسه سرتیو بالوقه قوی وجود دارد که انسان را به سمت و سوی مختلفی سوق می دهد. من سالفه جنسی، عشق و نیاز به دوست داشتن و دوست داشتن شدن این سه به صورت ترکیبی می توانند بسند شوند که فردی به سمت ازدواج سوق پیدا کند. قبل از اینک رایج به ازدواج های غلط طلاق های در این میر گردد صحبت شود، تمایل دارم از ماهی را از این زمینه به ششما آرایه دهم. مثالی برای شما می زنم اگر از یک شیشه فروش و بیشتر به پرسیم که آمار متراژ شیشه هایی که امروز فرخته اید در مقایسه با شیشه های شکسته خانه های شهر چه قدر است، متوجه می شوید که آمار بسیار بالاست، زیرا شیشه های شکسته در مقایسه با شیشه های سالم و فروخته شده به مراتب نسبت زودتر یکتری به مهر دارند اما اگر میزان شیشه های شکسته را نسبت به کل شیشه های شهر مقایسه کنید، متوجه می شوید که این میزان به نسبت خیلی کمتر است. این شیشه در مورد آمار مربوط به طلاق و ازدواج هم که سوتی سازمان ثبت احوال و ازدواج هر ماه پخش می شود، وجود دارد. اینکه ما می آییم آمار ازدواج و طلاق را با هم مقایسه می کنیم و می گویم مثلا برای هر ۶ ازدواج یک طلاق وجود دارد این روند درست نیست بلکه باید عددی که در این زمینه باید به ما توجه کنیم، مخرج کسر کل جمعیت باشد نه آمار مربوط به کسانی که اسامال ازدواج کرده اند. معمولا تعداد جمعیت به ازای هر هزار نفر جمعیت محاسبه می شود که این روند نامیده می شود. مقایسه واقعی تر را به ما می دهد. این عدد در کشور ما ۲۰۴ است یعنی به ازای هر هزار نفر جمعیت ۲۰۴ فرد طلاق در کشور ما اتفاق می افتد. این آمار در حالی توسط نهادهای مربوطه اعلام شده که در کشورهای دیگر آمار ۲ عدد نشان داده شده است یعنی چهار صدم درصد پیش از سایر کشورها در امر طلاق با سرعت پیش رفته ایم که این موضوع نگران کننده است البته می دانیم که هر طلاق های اروپایی آمار ازدواج در سال های اخیر نصف شده و آمار طلاق در برخی از کشورها به ویر و در برخی دیگر آمار بر شده است. با این وجود مقایسه آمار طلاق ایران با کشورهای اروپایی، نشان از سرعت بالا رفتن طلاق در کشور ما می دهد. این آمار نشان دهنده آمار رسمی ثبت شده در کشور ما با امارهای رسمی ثبت شده در امر ازدواج و طلاق در کشورهای اروپایی است. نکته ای که در این میان وجود دارد این است که سرعت طلاق در ایران به نسبت کشورهای اروپایی بسیار زیاد است و این معنا که اروپایی ها برای روند این ۵۰۰۴۰ سال اخیر طی کرده اند در حالی که ما در ۱۵ سال همین روند را با چهار صدم درصد اضافه کردیم. در ۱۵ سال اخیر طی کرده است تعداد دیگری این ترازوی در امر طلاق در کشور ما می توانم با یک مقایسه دیگر برای شما ترسیم کنم، اینکه در صورتی که اروپایی فاصله میان آغاز زندگی تا طلاق ۱۲ الی ۱۵ سال پس از ازدواج است، در حالی است که همین روند در ایران در فاصله زمانی ۳ الی ۵ سال پس از ازدواج می افتد. بنابراین می توان گفت ده سال میانگین سرعت ما در امر طلاق بیشتر از آن فاصله است که افراد باید در این موضوع بیشتر از آن عجلوا نه، می یابانه و شتابند و چون در تصمیم گیریمان در امر ازدواج طلاق دارد ۶۸ درصد ازدواج های کشور در برتعال صورت می گیرد، به طاقی می انجمد این رقم در امریکا ۴۰ درصد، شیلی ۳ درصد و در کشور ما ۲۵ الی ۳۰ درصد است که اینک بحث ما روی سرعت بالا رفتن این آمار است.

عشق جنسی تاریخ انقضا دارد

صالحی: اینکه آقای دکتر به آن اشاره کردند که سرعت طلاق های ما زیاد است، نشان از این دارد که ما ازدواج های غلطمان زیاد است. جوانان ما هنوز مهارت کنترل و تنظیم هیجانات خود را یاد نگرفته اند. یکسری از انگیزه های که جوانان بر اساس آن اقدام به تصمیم گیری برای ازدواج می کنند، انگیزه های عاطفی یا همان عشق رمانتیک است. حال این سوال مطرح می شود که آیا صرفا وجود عشق رمانتیک در یک رابطه، می تواند دلیل خوبی برای ازدواج دو فرد باشد؟ در پاسخ به این سوال باید گفت تحقیقات نشان داده است عشق رمانتیک زمان مشخصی برای بقا دارد چرا که تحت تاثیر هورمون های جنسی این عشق بدیدار دارد و به نهایت عمری به اندازه ۶ ماه تا ۲ سال در بالاترین این زمان یاری وقتی است که دو فرد به هم رسیده اند و رابطه ای باهم دارند و تجربه کرده اند که نمی توانند آن عشق را یکدیگر را دوست بدارند و بنا به دلایلی موق به ازدواج یا یکدیگر ایجاد رابطه باهم نمی کشوند که این عشق ممکن است تا مدت های مدید میان آنها وجود داشته باشد. دو نوع عشق وجود دارد، نادر، عشق منوی که حاصل شناخت از فرد است و در طول زندگی به تنهایی تمام نمی رسد، بلکه ممکن است روز به روز عمق پیدا کند و دیگری عشق رمانتیک است که توضیح آن داده شد. ازدواج صرفا با دلیل عشق رمانتیک نمی تواند دلیل خوبی برای یک ازدواج موفق باشد چرا که عشق جنسی یا عشق رمانتیک تا رخ انقضا دارد. افرادی هستند که صرفا به دلیل وجود عشق رمانتیک، ازدواج می کنند بعد از شش ماه تا نوسال زمانی که تاثیر گذاری این عشق به تمام رسیده کم می شود و به دین مشکلات زندگی می کنند، در این صورت این مشکلات را غیر تحمل از پایانی کرده و از

در میزگرد نسل فردا بررسی شد «بخش اول»:

ازدواج های غلط، طلاق های غلط

دست به انتخابی در ست بزییم، از ازدواج غلط نه تنها به فرد، بلکه به خانواده ها و جامعه صدمات بسیار سنگین و گاه جبران نا پذیر می می زند. این در حالی است که با اندکی صرف وقت، مطالعه، مسئولیت پذیری و واقع بینی می توان حداقل از بیش از ۹۰ درصد ازدواج های غلطی که غالبا به طلاق منجر می شود، جلوگیری کرد. از طرفی طلاق همواره از همه لحاظ مذموم بوده، اما برخی زوج های طلاق گرفته ادعا می کنند که طلاق به صلاح زندگی شان بوده و اگر

آنچه که دیگر عشق رمانتیک هم وجود ندارد، به واسطه آن این مشکلات را تحمل کنند، اینجاست که رابطه زناشویی به سمت شکست سوق پیدا می کند. نقطه مقابل این نگاه این است که در برخی ازدواج ها بیشتر شباهت های فرهنگی، طبقاتی، فکری، مذهبی و... در نظر گرفته می شود گاهی در این بین تنها چیزی که نادیده گرفته می شود، همین مسئله عشق جنسی یا عشق رمانتیک است. امری که لازمه یک ازدواج موفق است، اما همان طور که گفتیم کافی نیست. این روند نیز خود موجب شکست در زندگی زناشویی است چرا که عشق جنسی اگر در دو فرد که قصد ازدواج یا یکدیگر را دارند، نادیده گرفته نشود، قطعا این ازدواج به سر چه قدر است، متوجه می شوید که آمار بسیار بالاست، زیرا شیشه های شکسته در مقایسه با شیشه های سالم و فروخته شده به مراتب نسبت زودتر یکتری به مهر دارند اما اگر میزان شیشه های شکسته را نسبت به کل شیشه های شهر مقایسه کنید، متوجه می شوید که این میزان به نسبت خیلی کمتر است. این شیشه در مورد آمار مربوط به طلاق و ازدواج هم که سوتی سازمان ثبت احوال و ازدواج هر ماه پخش می شود، وجود دارد. اینکه ما می آییم آمار ازدواج و طلاق را با هم مقایسه می کنیم و می گویم مثلا برای هر ۶ ازدواج یک طلاق وجود دارد این روند درست نیست بلکه باید عددی که در این زمینه باید به ما توجه کنیم، مخرج کسر کل جمعیت باشد نه آمار مربوط به کسانی که اسامال ازدواج کرده اند. معمولا تعداد جمعیت به ازای هر هزار نفر جمعیت محاسبه می شود که این روند نامیده می شود. مقایسه واقعی تر را به ما می دهد. این عدد در کشور ما ۲۰۴ است یعنی به ازای هر هزار نفر جمعیت ۲۰۴ فرد طلاق در کشور ما اتفاق می افتد. این آمار در حالی توسط نهادهای مربوطه اعلام شده که در کشورهای دیگر آمار ۲ عدد نشان داده شده است یعنی چهار صدم درصد پیش از سایر کشورها در امر طلاق با سرعت پیش رفته ایم که این موضوع نگران کننده است البته می دانیم که هر طلاق های اروپایی آمار ازدواج در سال های اخیر نصف شده و آمار طلاق در برخی از کشورها به ویر و در برخی دیگر آمار بر شده است. با این وجود مقایسه آمار طلاق ایران با کشورهای اروپایی، نشان از سرعت بالا رفتن طلاق در کشور ما می دهد. این آمار نشان دهنده آمار رسمی ثبت شده در کشور ما با امارهای رسمی ثبت شده در امر ازدواج و طلاق در کشورهای اروپایی است. نکته ای که در این میان وجود دارد این است که سرعت طلاق در ایران به نسبت کشورهای اروپایی بسیار زیاد است و این معنا که اروپایی ها برای روند این ۵۰۰۴۰ سال اخیر طی کرده اند در حالی که ما در ۱۵ سال همین روند را با چهار صدم درصد اضافه کردیم. در ۱۵ سال اخیر طی کرده است تعداد دیگری این ترازوی در امر طلاق در کشور ما می توانم با یک مقایسه دیگر برای شما ترسیم کنم، اینکه در صورتی که اروپایی فاصله میان آغاز زندگی تا طلاق ۱۲ الی ۱۵ سال پس از ازدواج است، در حالی است که همین روند در ایران در فاصله زمانی ۳ الی ۵ سال پس از ازدواج می افتد. بنابراین می توان گفت ده سال میانگین سرعت ما در امر طلاق بیشتر از آن فاصله است که افراد باید در این موضوع بیشتر از آن عجلوا نه، می یابانه و شتابند و چون در تصمیم گیریمان در امر ازدواج طلاق دارد ۶۸ درصد ازدواج های کشور در برتعال صورت می گیرد، به طاقی می انجمد این رقم در امریکا ۴۰ درصد، شیلی ۳ درصد و در کشور ما ۲۵ الی ۳۰ درصد است که اینک بحث ما روی سرعت بالا رفتن این آمار است.

رسانه های کامی کار می کرده اند

اسحاقی: رسانه های ما در فیلم ها و سریال های خود زن و مردان را یکدیگر عاطفه و دوست داشتن می خواهند و اگر این فاکتور نباشد، زندگی بشر پر از ناخوشی می باشد. فاکتور دیگری احساس و کشش جنسی است که زن و شوهر باید بداند که به یکدیگر بیشتر کشش است. اگر این کشش جنسی میان زن و مرد نباشد، زندگی مشترک به بن بست می خورد یا در صورتی که تفاوت مزاج های جنسی دو فرد را یکدیگر بسیار فاحش باشد، در این صورت زن و مرد نمی توانند به هم نزدیک شوند و در نهایت عمری به اندازه ۶ ماه تا ۲ سال در بالاترین این زمان یاری وقتی است که دو فرد به هم رسیده اند و رابطه ای باهم دارند و تجربه کرده اند که نمی توانند آن عشق را یکدیگر را دوست بدارند و بنا به دلایلی موق به ازدواج یا یکدیگر ایجاد رابطه باهم نمی کشوند که این عشق ممکن است تا مدت های مدید میان آنها وجود داشته باشد. دو نوع عشق وجود دارد، نادر، عشق منوی که حاصل شناخت از فرد است و در طول زندگی به تنهایی تمام نمی رسد، بلکه ممکن است روز به روز عمق پیدا کند و دیگری عشق رمانتیک است که توضیح آن داده شد. ازدواج صرفا با دلیل عشق رمانتیک نمی تواند دلیل خوبی برای یک ازدواج موفق باشد چرا که عشق جنسی یا عشق رمانتیک تا رخ انقضا دارد. افرادی هستند که صرفا به دلیل وجود عشق رمانتیک، ازدواج می کنند بعد از شش ماه تا نوسال زمانی که تاثیر گذاری این عشق به تمام رسیده کم می شود و به دین مشکلات زندگی می کنند، در این صورت این مشکلات را غیر تحمل از پایانی کرده و از

سه پایه اساسی ازدواج موفق

پدرام: برامجی داشتیم که می گفت: "من فراموش کردم که قبل از عقد به شوهرم بگویم که لدم می خواهد حتما ملعش را عمل زیبایی کند". خب در این ازدواج که دختر مستر تیرهوشان درس خوانده و شوهرش دانشجو ی دکتر ی است و او هم جزه تیرهوشان است این سوال مطرح می شود این دو با چه سخت افاز و نرم افزاری تصمیم به ازدواج یا یکدیگر گرفته اند و دقیقا معیار آنها برای ازدواج چه بوده است؟ هنوز مشخص نیست که دختران و پسران ما که از دانشگاه فارغ التحصیل شده اند، دقیقا چه تعریفی از خود و جنس مخالفشان دارند چه تعریفی از عشق دارند؟ دو نوع تعریف یعنی عدم تعریف سه پایه اساسی عشق که استربرگ از آن یاد کرده است، استربرگ معتقد است که این عشق به معنای واقعی بدیمل و کشش جنسی صمیمیت تعهد وجود داشته باشد و نبود هر یک از این سه فاکتور باعث نقص در مفهوم عشق می شود. عشقی که تنها در آن شور جنسی دود داشته باشد، عشقی بیلبله نام دارد که در همان دو سال زندگی در این نوع عشق شاهد خیانت های زیادی هستیم در عشق های بیلبله است که می بینیم فرد بعد از یک سال، شش ماه دو سال از ازدواج خود ابر از شیمیانی می کند و می گوید "این فرد آن کسی نبود که من می خواستم". در عشق های هم که صرفا تعهد و شوهر دار و جذابیت و کشش جنسی وجود ندارد، تنها رابطه یک رابطه دوستانه است. اینکه یک مرد نسبت به یک زن احساس تعهد و مسئولیت شدید داشته باشد و میل و کشش جنسی میان دو نفر نباشد هم در این نوع رابطه های صرفا دوستانه است و نه عاشقانه. اگر هر یک از این سه پایه در مفهوم تعریف شد ای که استربرگ از آن یاد می کند، بلنگه، ما با مفهوم تازه ای از عشق روبه رو هستیم و تنها عشقی می تواند منجر به یک ازدواج موفق شود که هر سه پایه را داشته باشد. البته استربرگ معتقد است عشق کامل در مفهومی که هر سه پایه به صورت کامل و دقیق وجود داشته باشد، نادر است. جدای از عشق و مفهوم کامل

طلاق نمی گرفتند، زندگیشان تباه می شد و در مقابل کسانی هم هستند که طلاق گرفته اند و حالا نشیمناند زوج هایی که به دلیل مسایل پیش یا افتاده یا قابل حل از هم جدا می شوند. بعد از جدایی و طلاق، گذشت زمان و حل شدن آن مشکلات، از طلاق خود شیمیانی می شوند. تنسل فردا در میز گرد ی با حضور جلوبهر کرد، کارشناسان به بررسی ازدواج های غلط و طلاق های غلط پرداخته است. این نشست دو ساعته در دفتر روزنامه سراسری نسل فردا

در فقدان چنین محصولات فرهنگی جوانان مایباز شبکه های غیر اخلاقی مفهوم عشق و خیانت را هم به جذاب ترین شکل ممکن یاد بگیرند.

بی شعوری در ازدواج

پدرام: البته محدودیت هایی هم در سیمانی ما وجود دارد که بخشی از این محدودیت ها شعری است. اما نکته اینجاست که مدارس ما هم در این زمینه کم کاری کرده اند. کجا در مدارس دیده شده بسیاری از افراد برای مراسم ازدواج دختر و پسر خود با مفهوم عشق و انواع آن به توجوهان یاد داده شده است. برخی چنین مهارتی نتگنن خود را در آموزش و پرورش و آموزش عالی باید بای برای همسر بای و شناخت نسبت و جنس مختلف وجود داشته باشد. وقتی در چنین نهادهای مهم و تاثیر گذاری این بخش ها وجود نداشته باشد و عشق و زری و مهارت های مربوط به ازدواج صورت و پسر ها هم در این موضوع تبدیل می شود به یک هیجان منفی و سطحی که خود مسبب انگیزه ای غلط برای ازدواج های غلط می شود که در نهایت منجر به جدایی و طلاق می شود. در زناشویی می توانم با مشکلاتی مواجه شود، اما تا کید صرف روی این عمل هم نمی توانم تصمیم کشنده یک ازدواج موفق بچرا می دانم. مثلا برای هر ۶ ازدواج یک طلاق وجود دارد این روند درست نیست بلکه باید عددی که در این زمینه باید به ما توجه کنیم، مخرج کسر کل جمعیت باشد نه آمار مربوط به کسانی که اسامال ازدواج کرده اند. معمولا تعداد جمعیت به ازای هر هزار نفر جمعیت محاسبه می شود که این روند نامیده می شود. مقایسه واقعی تر را به ما می دهد. این عدد در کشور ما ۲۰۴ است یعنی به ازای هر هزار نفر جمعیت ۲۰۴ فرد طلاق در کشور ما اتفاق می افتد. این آمار در حالی توسط نهادهای مربوطه اعلام شده که در کشورهای دیگر آمار ۲ عدد نشان داده شده است یعنی چهار صدم درصد پیش از سایر کشورها در امر طلاق با سرعت پیش رفته ایم که این موضوع نگران کننده است البته می دانیم که هر طلاق های اروپایی آمار ازدواج در سال های اخیر نصف شده و آمار طلاق در برخی از کشورها به ویر و در برخی دیگر آمار بر شده است. با این وجود مقایسه آمار طلاق ایران با کشورهای اروپایی، نشان از سرعت بالا رفتن طلاق در کشور ما می دهد. این آمار نشان دهنده آمار رسمی ثبت شده در کشور ما با امارهای رسمی ثبت شده در امر ازدواج و طلاق در کشورهای اروپایی است. نکته ای که در این میان وجود دارد این است که سرعت طلاق در ایران به نسبت کشورهای اروپایی بسیار زیاد است و این معنا که اروپایی ها برای روند این ۵۰۰۴۰ سال اخیر طی کرده اند در حالی که ما در ۱۵ سال همین روند را با چهار صدم درصد اضافه کردیم. در ۱۵ سال اخیر طی کرده است تعداد دیگری این ترازوی در امر طلاق در کشور ما می توانم با یک مقایسه دیگر برای شما ترسیم کنم، اینکه در صورتی که اروپایی فاصله میان آغاز زندگی تا طلاق ۱۲ الی ۱۵ سال پس از ازدواج است، در حالی است که همین روند در ایران در فاصله زمانی ۳ الی ۵ سال پس از ازدواج می افتد. بنابراین می توان گفت ده سال میانگین سرعت ما در امر طلاق بیشتر از آن فاصله است که افراد باید در این موضوع بیشتر از آن عجلوا نه، می یابانه و شتابند و چون در تصمیم گیریمان در امر ازدواج طلاق دارد ۶۸ درصد ازدواج های کشور در برتعال صورت می گیرد، به طاقی می انجمد این رقم در امریکا ۴۰ درصد، شیلی ۳ درصد و در کشور ما ۲۵ الی ۳۰ درصد است که اینک بحث ما روی سرعت بالا رفتن این آمار است.

نه سنگتگیری نه سهیل انگاری

اسحاقی: میزان ساعتی که دختر و پسر و خانواده ها شان جهت آشنایی پیش از ازدواج اختصاص می دهند، بسیار حائز اهمیت است. افسراط و تقریفا هر دو، می تواند مسبب بروز آسیب هایی باشد. هم سنگتگیری های بیش از حد و هم سهیل انگاری و بهر و لهادگی های بیش از حد هر دو معضل ساز خواهند بود. هر دو طیف را می توان بعدا در طلاق پیدا کرد. چه ما از این معیار ها و اوچود این نا آگاهی هست که ازدواج های غلط شود، باز هم زندگی مشترک با آنها مشکل مواجه می شود شاید در گذشته به این موضوع توجه نداشتیم و به این فکر می کردیم که اگر ازدواج موفق بود، هر دو معیار به معنای معجزه ش است. اما ما این واژه را در معنای دیگری به کار می بردیم. امروزه در کشور ما به این معیار ها و سبب های ازدواج های غلط می بینیم. فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

نداشته باشد و تمایلات صرفا خودی خود را عشق تعبیر کند، مشخص است که چنین فردی در رشد عاطفی مشکل جدی دارد. یکی از اساسی ترین دلایل شکست در ازدواج و زندگی زناشویی، ضعف در شناخت عواطف خود و دیگری است. ازدواج در فرهنگ جامعه ایرانی، پیوند میان دو نفر نیست، بلکه پیوند دو خانواده است. در نبود مهارت های ارتباطی افراد در تعامل با خانواده دیگری دچار مشکلاتی می شوند. اینکه فرد همسر خود را از عشق انتخاب میان دو نفر قرار می دهد و می گوید: "ما من را انتخاب کن یا مادر" را مشخص است که چنین فردی مهارت های ارتباطی را نیاموخته است و قادر به مدیریت بحران های ارتباطی اش با دیگران نیست.

مخالفت خانواده با ازدواجمان را جدی بگیریم
پراهیانی: در ازدواج های غلط باید سه به سه بعد توجه نشان داد. اول اینکه در بعد فردی من چه ویژگی هایی دارم که ازدواجم منجر به شکست می شود؟ دوم عواطف بین فردی است به این معنا که باید به این سوال پاسخ داد که میان من و همسر من چه عواطفی

پیش می آید که ازدواجمان را تبدیل به یک ازدواج غلط و اشتباه می کند؟ سوم بعد خانوادگی است که در بعد خانوادگی من مسایلی پیش آمده که ازدواجمان را به یک ازدواج اشتباه بدل کرده است؟ در بعد خانوادگی باید گفت مخالفت شدید خانواده ها با ازدواج می تواند خلط ساز باشد. در مواردی که خانواده ها شیدا با ازدواج دو فرد مخالفند دختر و پسر به ندرت تبدیل تا میل به یک ازدواج از خود نشان می دهند. طبیعتا اینده این زندگی مشترک تحت تاثیر این مخالفت ها و سنگ اندازی ها قرار خواهد گرفت. در این گونه موارد باید به مخالفت خانواده توجه کرد. مخالفت خانواده با ازدواج، بسیار اهمیت دارد. اگر این مخالفت شدید وجود داشته باشد، اینده این ازدواج محکوم به شکست خواهد بود. زندگی یک جاده است. معمولا عواطف رمانتی و زندگی که باید به این عواطف توجه نشان داد و متعصب با آن استرژای های مناسب پیاپی کرد. مخالفت شدید پدر و مادر و خانواده ای یک از دلایل صورت جزیری آن علایم است که در مدت مدیریت درست این بحران پیرازند صبوریت کنند و به درستی و با ملایمت و گفت و گوی همراه با احترام از میزان زمان بمانند و والدین خود بکاهند که این امر ممکن است کمی

کوتاهی دوره شناخت پیش از ازدواج، عامل طلاق

پراهیانی: نکته دیگر که می تواند منجر به یک ازدواج غلط شود، وارسنگی شدید یکی از والدین به فرزندان خود است که این وابستگی سبب می شود که اجازه استقلال به جوانان داده نشود. نکته دیگر جست وجوی مادر یا پدر خود در زن یا مردی است که فرار است با او زندگی مشترک خود را آغاز کنند و نکته دیگر زمانی است که افراد دارای شناخت یکدیگر اختصاصی این مخالفتش با سبب های بیشتری همراه است. بنابراین باید به بالاترین میزان طلاق در میان کسانی اتفاق می افتد که زمان کافی برای شناخت یکدیگر اختصاصی نداشته اند. بدو هوش های میانی بسیاری از روشناسان و مشاوران خانواده نشان می دهند که کسانی که دوره آشنایی به عقد کوتاه مدت ۳ ماهه داشته اند، بیشتر میزان طلاق را تجربه کرده اند. این افراد پس از ازدواج و با شناخت کامل طرف مقابل دچار شوک می شوند و شوک پس از ازدواج هم در زمان شوک بیشتر انگیزه غلط دیگری می شود، به سبک ازدواج غلط می شود، عدم تعایب با یکدیگر است، اینکه فرد از ظاهر

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد

مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

نداشته باشد و تمایلات صرفا خودی خود را عشق تعبیر کند، مشخص است که چنین فردی در رشد عاطفی مشکل جدی دارد. یکی از اساسی ترین دلایل شکست در ازدواج و زندگی زناشویی، ضعف در شناخت عواطف خود و دیگری است. ازدواج در فرهنگ جامعه ایرانی، پیوند میان دو نفر نیست، بلکه پیوند دو خانواده است. در نبود مهارت های ارتباطی افراد در تعامل با خانواده دیگری دچار مشکلاتی می شوند. اینکه فرد همسر خود را از عشق انتخاب میان دو نفر قرار می دهد و می گوید: "ما من را انتخاب کن یا مادر" را مشخص است که چنین فردی مهارت های ارتباطی را نیاموخته است و قادر به مدیریت بحران های ارتباطی اش با دیگران نیست.

مخالفت خانواده با ازدواجمان را جدی بگیریم
پراهیانی: در ازدواج های غلط باید سه به سه بعد توجه نشان داد. اول اینکه در بعد فردی من چه ویژگی هایی دارم که ازدواجم منجر به شکست می شود؟ دوم عواطف بین فردی است به این معنا که باید به این سوال پاسخ داد که میان من و همسر من چه عواطفی

پیش می آید که ازدواجمان را تبدیل به یک ازدواج غلط و اشتباه می کند؟ سوم بعد خانوادگی است که در بعد خانوادگی من مسایلی پیش آمده که ازدواجمان را به یک ازدواج اشتباه بدل کرده است؟ در بعد خانوادگی باید گفت مخالفت شدید خانواده ها با ازدواج می تواند خلط ساز باشد. در مواردی که خانواده ها شیدا با ازدواج دو فرد مخالفند دختر و پسر به ندرت تبدیل تا میل به یک ازدواج از خود نشان می دهند. طبیعتا اینده این زندگی مشترک تحت تاثیر این مخالفت ها و سنگ اندازی ها قرار خواهد گرفت. در این گونه موارد باید به مخالفت خانواده توجه کرد. مخالفت خانواده با ازدواج، بسیار اهمیت دارد. اگر این مخالفت شدید وجود داشته باشد، اینده این ازدواج محکوم به شکست خواهد بود. زندگی یک جاده است. معمولا عواطف رمانتی و زندگی که باید به این عواطف توجه نشان داد و متعصب با آن استرژای های مناسب پیاپی کرد. مخالفت شدید پدر و مادر و خانواده ای یک از دلایل صورت جزیری آن علایم است که در مدت مدیریت درست این بحران پیرازند صبوریت کنند و به درستی و با ملایمت و گفت و گوی همراه با احترام از میزان زمان بمانند و والدین خود بکاهند که این امر ممکن است کمی

کوتاهی دوره شناخت پیش از ازدواج، عامل طلاق

پراهیانی: نکته دیگر که می تواند منجر به یک ازدواج غلط شود، وارسنگی شدید یکی از والدین به فرزندان خود است که این وابستگی سبب می شود که اجازه استقلال به جوانان داده نشود. نکته دیگر جست وجوی مادر یا پدر خود در زن یا مردی است که فرار است با او زندگی مشترک خود را آغاز کنند و نکته دیگر زمانی است که افراد دارای شناخت یکدیگر اختصاصی این مخالفتش با سبب های بیشتری همراه است. بنابراین باید به بالاترین میزان طلاق در میان کسانی اتفاق می افتد که زمان کافی برای شناخت یکدیگر اختصاصی نداشته اند. بدو هوش های میانی بسیاری از روشناسان و مشاوران خانواده نشان می دهند که کسانی که دوره آشنایی به عقد کوتاه مدت ۳ ماهه داشته اند، بیشتر میزان طلاق را تجربه کرده اند. این افراد پس از ازدواج و با شناخت کامل طرف مقابل دچار شوک می شوند و شوک پس از ازدواج هم در زمان شوک بیشتر انگیزه غلط دیگری می شود، به سبک ازدواج غلط می شود، عدم تعایب با یکدیگر است، اینکه فرد از ظاهر

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

نداشته باشد و تمایلات صرفا خودی خود را عشق تعبیر کند، مشخص است که چنین فردی در رشد عاطفی مشکل جدی دارد. یکی از اساسی ترین دلایل شکست در ازدواج و زندگی زناشویی، ضعف در شناخت عواطف خود و دیگری است. ازدواج در فرهنگ جامعه ایرانی، پیوند میان دو نفر نیست، بلکه پیوند دو خانواده است. در نبود مهارت های ارتباطی افراد در تعامل با خانواده دیگری دچار مشکلاتی می شوند. اینکه فرد همسر خود را از عشق انتخاب میان دو نفر قرار می دهد و می گوید: "ما من را انتخاب کن یا مادر" را مشخص است که چنین فردی مهارت های ارتباطی را نیاموخته است و قادر به مدیریت بحران های ارتباطی اش با دیگران نیست.

مخالفت خانواده با ازدواجمان را جدی بگیریم
پراهیانی: در ازدواج های غلط باید سه به سه بعد توجه نشان داد. اول اینکه در بعد فردی من چه ویژگی هایی دارم که ازدواجم منجر به شکست می شود؟ دوم عواطف بین فردی است به این معنا که باید به این سوال پاسخ داد که میان من و همسر من چه عواطفی

پیش می آید که ازدواجمان را تبدیل به یک ازدواج غلط و اشتباه می کند؟ سوم بعد خانوادگی است که در بعد خانوادگی من مسایلی پیش آمده که ازدواجمان را به یک ازدواج اشتباه بدل کرده است؟ در بعد خانوادگی باید گفت مخالفت شدید خانواده ها با ازدواج می تواند خلط ساز باشد. در مواردی که خانواده ها شیدا با ازدواج دو فرد مخالفند دختر و پسر به ندرت تبدیل تا میل به یک ازدواج از خود نشان می دهند. طبیعتا اینده این زندگی مشترک تحت تاثیر این مخالفت ها و سنگ اندازی ها قرار خواهد گرفت. در این گونه موارد باید به مخالفت خانواده توجه کرد. مخالفت خانواده با ازدواج، بسیار اهمیت دارد. اگر این مخالفت شدید وجود داشته باشد، اینده این ازدواج محکوم به شکست خواهد بود. زندگی یک جاده است. معمولا عواطف رمانتی و زندگی که باید به این عواطف توجه نشان داد و متعصب با آن استرژای های مناسب پیاپی کرد. مخالفت شدید پدر و مادر و خانواده ای یک از دلایل صورت جزیری آن علایم است که در مدت مدیریت درست این بحران پیرازند صبوریت کنند و به درستی و با ملایمت و گفت و گوی همراه با احترام از میزان زمان بمانند و والدین خود بکاهند که این امر ممکن است کمی

کوتاهی دوره شناخت پیش از ازدواج، عامل طلاق

پراهیانی: نکته دیگر که می تواند منجر به یک ازدواج غلط شود، وارسنگی شدید یکی از والدین به فرزندان خود است که این وابستگی سبب می شود که اجازه استقلال به جوانان داده نشود. نکته دیگر جست وجوی مادر یا پدر خود در زن یا مردی است که فرار است با او زندگی مشترک خود را آغاز کنند و نکته دیگر زمانی است که افراد دارای شناخت یکدیگر اختصاصی این مخالفتش با سبب های بیشتری همراه است. بنابراین باید به بالاترین میزان طلاق در میان کسانی اتفاق می افتد که زمان کافی برای شناخت یکدیگر اختصاصی نداشته اند. بدو هوش های میانی بسیاری از روشناسان و مشاوران خانواده نشان می دهند که کسانی که دوره آشنایی به عقد کوتاه مدت ۳ ماهه داشته اند، بیشتر میزان طلاق را تجربه کرده اند. این افراد پس از ازدواج و با شناخت کامل طرف مقابل دچار شوک می شوند و شوک پس از ازدواج هم در زمان شوک بیشتر انگیزه غلط دیگری می شود، به سبک ازدواج غلط می شود، عدم تعایب با یکدیگر است، اینکه فرد از ظاهر

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

نداشته باشد و تمایلات صرفا خودی خود را عشق تعبیر کند، مشخص است که چنین فردی در رشد عاطفی مشکل جدی دارد. یکی از اساسی ترین دلایل شکست در ازدواج و زندگی زناشویی، ضعف در شناخت عواطف خود و دیگری است. ازدواج در فرهنگ جامعه ایرانی، پیوند میان دو نفر نیست، بلکه پیوند دو خانواده است. در نبود مهارت های ارتباطی افراد در تعامل با خانواده دیگری دچار مشکلاتی می شوند. اینکه فرد همسر خود را از عشق انتخاب میان دو نفر قرار می دهد و می گوید: "ما من را انتخاب کن یا مادر" را مشخص است که چنین فردی مهارت های ارتباطی را نیاموخته است و قادر به مدیریت بحران های ارتباطی اش با دیگران نیست.

مخالفت خانواده با ازدواجمان را جدی بگیریم
پراهیانی: در ازدواج های غلط باید سه به سه بعد توجه نشان داد. اول اینکه در بعد فردی من چه ویژگی هایی دارم که ازدواجم منجر به شکست می شود؟ دوم عواطف بین فردی است به این معنا که باید به این سوال پاسخ داد که میان من و همسر من چه عواطفی

پیش می آید که ازدواجمان را تبدیل به یک ازدواج غلط و اشتباه می کند؟ سوم بعد خانوادگی است که در بعد خانوادگی من مسایلی پیش آمده که ازدواجمان را به یک ازدواج اشتباه بدل کرده است؟ در بعد خانوادگی باید گفت مخالفت شدید خانواده ها با ازدواج می تواند خلط ساز باشد. در مواردی که خانواده ها شیدا با ازدواج دو فرد مخالفند دختر و پسر به ندرت تبدیل تا میل به یک ازدواج از خود نشان می دهند. طبیعتا اینده این زندگی مشترک تحت تاثیر این مخالفت ها و سنگ اندازی ها قرار خواهد گرفت. در این گونه موارد باید به مخالفت خانواده توجه کرد. مخالفت خانواده با ازدواج، بسیار اهمیت دارد. اگر این مخالفت شدید وجود داشته باشد، اینده این ازدواج محکوم به شکست خواهد بود. زندگی یک جاده است. معمولا عواطف رمانتی و زندگی که باید به این عواطف توجه نشان داد و متعصب با آن استرژای های مناسب پیاپی کرد. مخالفت شدید پدر و مادر و خانواده ای یک از دلایل صورت جزیری آن علایم است که در مدت مدیریت درست این بحران پیرازند صبوریت کنند و به درستی و با ملایمت و گفت و گوی همراه با احترام از میزان زمان بمانند و والدین خود بکاهند که این امر ممکن است کمی

کوتاهی دوره شناخت پیش از ازدواج، عامل طلاق

پراهیانی: نکته دیگر که می تواند منجر به یک ازدواج غلط شود، وارسنگی شدید یکی از والدین به فرزندان خود است که این وابستگی سبب می شود که اجازه استقلال به جوانان داده نشود. نکته دیگر جست وجوی مادر یا پدر خود در زن یا مردی است که فرار است با او زندگی مشترک خود را آغاز کنند و نکته دیگر زمانی است که افراد دارای شناخت یکدیگر اختصاصی این مخالفتش با سبب های بیشتری همراه است. بنابراین باید به بالاترین میزان طلاق در میان کسانی اتفاق می افتد که زمان کافی برای شناخت یکدیگر اختصاصی نداشته اند. بدو هوش های میانی بسیاری از روشناسان و مشاوران خانواده نشان می دهند که کسانی که دوره آشنایی به عقد کوتاه مدت ۳ ماهه داشته اند، بیشتر میزان طلاق را تجربه کرده اند. این افراد پس از ازدواج و با شناخت کامل طرف مقابل دچار شوک می شوند و شوک پس از ازدواج هم در زمان شوک بیشتر انگیزه غلط دیگری می شود، به سبک ازدواج غلط می شود، عدم تعایب با یکدیگر است، اینکه فرد از ظاهر

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

ازدواج، تنها بین دو مرد میان دو فرد نیست

پدرام: رشد فردی را باید بسیار جدی بگیریم، رشد، ابعاد مختلفی دارد که شامل رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، معنوی و اجتماعی است. در ازدواج اینکه فرد از تمامی این ابعاد به رشد قابل قبولی دست یافته باشد، بسیار اهمیت دارد. زمانی که فرد به رشد کافی دست نیافته باشد هیچ آگاهی نسبت به احساس خود

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان

دکتر سید رضا اسحاقی: میزان